

واکاوی شرط سید مرتضی در تحقق علم از خبر متواتر

□ نصره باجی

□ مصطفی عباسی مقدم

□ قاسم بستانی

□ پرویز رستگار جزی

۱ - دانش آموخته دکتری دانشگاه کاشان، مدرس دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول). ایمیل: baji.nasra@yahoo.com. شماره تماس: ۰۹۱۶۶۵۵۱۴۸۷. (نویسنده مسئول).

۲ - استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان. ایمیل: ۱۲۳۴abasi@gmail.com.

۳ - دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز. ایمیل: gbostanee@yahoo.com.

۴ - دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان. ایمیل: p.rastgar@kashan.ac.ir.

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۵/۳۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۸/۲۰

چکیده

برای خبر متواتر شروطی ذکر شده که وجود آنها برای حصول علم از خبر متواتر ضروری بوده و موجب حصول علم یقینی است. این شروط متعلق به مخبرین، سامعین، مُخبر عنه و مُخبر به و مورد توافق مسلمانان است. در این میان، سید مرتضی برای سامعین قائل به شرط عدم مسبوق بودن آنان به شبهه یا تقلیدی نافی مضمون خبر شده که مختص به او بوده و از دیرباز نقدهایی متوجه آن شده است، اما ۱- شرط سید چیست؟ ۲- مبانی و دلایل این شرط کدامند؟ دلایل مخالفین این شرط کدامست؟ ۴- اعتبار و صحت این شرط چیست؟ در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی و نیز کتابخانه‌ای، ضمن ذکر و تبیین شرط سید و دلایل او، به بررسی و نقد آن پرداخته تا به این پرسش‌ها، پاسخ داده شود و در نهایت آشکار می‌شود که نقدهای مخالفین این شرط، به صحت نزدیک‌تر بوده و این شرط از اعتبار و صحت قابل قبولی برخوردار نیست.

کلید واژه: خبر متواتر، سید مرتضی، علم یقینی، شروط، سامعین

بنابر نظر عموم مسلمانان، خبر متواتر موجب علم و یقین نسبت به مضمون خبر می‌شود که باید آن را به طور قطع پذیرفته و از انکار و مخالفت با آن دست برداشت و حکم فصل الخطاب را داراست. از این رو، چنین خبری نزد مسلمانان از اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده و از بهترین انواع حدیث در مباحث فقهی، کلامی، تاریخی و مانند آن شمرده می‌شود. در همین راستا، ادعای تواتر احادیث متعددی در موضوعات مختلفی توسط فرق مختلف مسلمانان به ظهور رسیده و اعتقادات و احکامی به آن مستند گشته‌اند.

از سویی دیگر، دانشمندان، برای تحقق خبر متواتر، شروطی را متذکر شده‌اند که عمده این شروط در حقیقت، برای حصول علم قطعی از آن است که غایت وجودی چنین خبری می‌باشد. این شروط در چهار سطح مختلف: سامعین، مخبرین، مخبرِ عنه (موضوع خبر) و مخبرِ به (خبر) مطرح شده‌اند. هر چند این نوع حدیث، شروط آن، تحقق علم از آن، مصادیق آن و... همچنان مورد بحث و بررسی است، اما بسیاری از مباحث حدیث متواتر در طول تاریخ به نتیجه‌ای متفق علیه رسیده و برخی نیز همچنان مورد بحث و مناقشه است، از جمله یکی از شروط سامعین که توسط سید مرتضی مطرح شده است. این شرط که تبیین عدم تحقق علم از متواتر برای سامعین مخالف ذکر شده و بر آن است که سامع هنگام شنیدن خبر متواتر نباید مسبوق به تقلید یا شبهه‌ای مخالف مضمون خبر باشد، از دیرباز و بیشتر توسط اهل سنت، نقد و رد شده که در این مقاله، این شرط و دلایل سید در صحت آن و نیز نقدهای متوجه آن ذکر و مورد بررسی قرار می‌گیرند.

برخی برآنند که بحث تواتر در نیمه قرن دوم هجری همزمان با شکل‌گیری اولین مباحث علم کلام، به عنوان حجتی برای «اثبات رسل و معجزات آنان» مطرح شد، بدون تلاشی برای تعریف دقیق آن و بیان شروط آن. مطرح گردید و سپس از آنجا به علم اصول راه یافت و به عنوان یکی از انواع اخباری (آحاد و متواتر) که حجیتی مطلق داشت، شناخته شد (دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۶، ص ۲۷۰). اما شاهدی بر این ادعا که ابتدا علم کلام به تواتر خبر پرداخته و از آن به علم اصول راه یافته، ارائه نشده لذا نمی‌توان چندان بر این پیشینه استناد کرد و قدیمی‌ترین آثار

درسترس که بدین خبر پرداخته‌اند، کتب اصولی و دقیقاً کتب شافعی (م. ۲۰۴ق) «الرسالة» (ص ۳۵۷-۳۵۸، ۴۷۶) و «الشافی» (ج ۱، ص ۷۸، ج ۷: ۲۹۲) است.

البته پیش از آن، سخن از خبر مقطوع در مقابل خبر آحاد نیز وجود داشته است که ظاهراً أبوحنیفه (م. ۱۵۰هـ) برای رد احادیث کتاب امام علی (ع) و منقول توسط امام صادق (ع) بدان تکیه می‌زد، از آنجا که احادیث این کتاب، خبر واحد هستند (بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱، ص ۴۰) و خبر مقطوع اینجا ظاهراً در مضمون، همان خبر متواتر مصطلح است؛ زیرا این تنها خبر متواتر است که قطعی الدلالة بوده و دیگر اخبار ظنی الدلالة می‌باشند. همچنین اصطلاح خبر عامه یا علم عامه نیز وجود داشت که گاهی معادل متواتر و گاهی قسم آن تعریف می‌شد (الرسالة، ص ۳۵۷-۳۵۸، ۴۷۶؛ الأم، ج ۱، ص ۷۸، ج ۷، ص ۲۹۲؛ المنطقیات، ج ۱، ص ۵۰۹).

به هر حال، نخستین کسی که بحث مرتبط با حدیث متواتر را با ذکر اصطلاح، تعریف و برخی از شروطش را مطرح ساخته، شافعی (م. ۲۰۴ق) از اصولیون اهل سنت است، اما از قول فرد مخاطبی آورده که نامی از او نبرده و در نهایت به نفی تحقق آن نظر داده است، هر چند اشاره دارد در صورت تحقق، از اعتبار بیشتری برخوردار است (الرسالة، ص ۴۳۳؛ الأم، ج ۷، ص ۲۹۶-۳۰۰) و پس از او نیز، عمده مباحث مرتبط با متواتر با تصریح به این اصطلاح، از سوی اصولیون پیگیری شده است (ر.ک: التبصرة فی اصول الفقه، ص ۲۹۷؛ الحدود فی الأصول، ص ۱۱۶-۱۱۷؛ مختصر منتهی السؤل، ج ۱، ص ۵۱۹؛ الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۱۴، ...) و به طور قطع، سپس از آن، وارد علم درایه که علمی متأخر از علم اصول است، اما نه به گستردگی کتب اصولی شد (ر.ک: التقييد، ص ۲۶۶؛ تدریب الراوی، ج ۲، ص ۶۲۶) و بحث از متواتر، شامل تعریف، شروط، انواع علم حاصل از آن، مصادیق خبر متواتر، ... شده و مناقشات بسیار نسبت به هر یک از موضوعات آن صورت گرفت. از جمله این مباحث، شرط سید مرتضی است که بدان به تفصیل پرداخته می‌شود.

۲- متواتر در لغت و اصطلاح:

متواتر در لغت، به معنای پشت سرهم و پیاپی آمدن است (العین، ج ۸، ص ۱۳۳؛ تهذیب اللغة، ج ۱۴، ص ۲۲۳؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۸۴؛ المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۵۳) و گفته شده که به خبر متواتر از این رو متواتر

گفته‌اند، چون یکی از دیگری آن را روایت می‌کند (تهذیب اللغة، ج ۱۴، ص ۲۲۳-۲۲۴؛ لسان العرب، ج ۵، ص ۲۷۵-۲۷۶) و در اصطلاح: «خبری که تعداد راویان آن، در تمام طبقات، در کثرت به حدی رسیده‌اند که عادتاً تواطی (همدستانی) یا توافق آنها بر دروغ ممکن نباشد» (المحصول فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۲۷؛ الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۱۴؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۹۴؛ الرعايه فی علم الدرايه، ص ۶۲؛ مقباس الهدایه فی علم الدرايه، ص ۸۹-۹۰).

۳- شروط متواتر

برای افاده‌ی علم از خبر متواتر، شرایطی را ذکر کرده‌اند که برخی متعلق به شنوندگان و برخی به متعلق به خبردهندگان مخبرین است، ذیلاً این شروط ذکر می‌شود:

۳-۱- شروط متعلق به شنوندگان: ۱- «عالم نبودن به مضمون خبر به طور اضطراری» (الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۲۵؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۲؛ الرعايه فی علم الدرايه، ص ۶۴). ۲- «داشتن اهلیت پذیرش علم حاصل (کودک، غافل یا دیوانه نبودن)» (الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۲۵؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۲). ۳- «مسبوق نبودن به شبهه یا تقلیدی که منجر به اعتقادی خلاف مضمون خبر شود» (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۰) که شرط مورد بحث این مقاله است.

۳-۲- شروط متعلق به خبردهندگان: ۱- «دارای کثرتی که عادتاً تواطی یا اتفاق آنها بر کذب محال باشد» (الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۲۵؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۹۵). ۲- «علم حسی نه استدلالی به موضوع خبر داشتن» (الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۲۵؛ المحصول فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۶۰؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۹۵) و نیز «یقیناً نه حدساً» (البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۹۴). ۳- «استواء طبقات در عدد و شروط تواتر» (الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۲۵؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۱؛ الرعايه فی علم الدرايه، ص ۶۲).

۳-۳- شروط متعلق به مُخْبِرِ عِنَه (موضوع و سوره‌ای که از آن خبر داده می‌شود): ۱- «ممکن الوقوع بودن» (توجیه النظر، ج ۱، ص ۱۲۲). ۲- «به دور از التباس و شبهه بودن» (الشافی فی الامامه، ج ۲، ص ۶۸؛ همو، بی‌تا، ص ۳۵۵).

۳- «محسوس بودن» (شرح تنقیح الفصول، ص ۳۴۹؛ التحبیر شرح التحرير، ج ۴، ص ۱۷۵۲؛ شرح کوکب المنیر، ج ۲، ص ۳۲۴؛ منهج النقد فی علوم الحدیث، ص ۴۰۴).

۳-۴- شروط متعلّق به مُخْبَر به (خبر و عبارتی که از موضوع خبر می‌دهد): ۱- «صریح و واضح، بدون هیچ ابهام و پیچیدگی بودن» (توجیه النظر، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۲۳). ۲- «عدم اشتغال بر مطالب ممکن و محال عقلی با هم» (البیان عن الفرق بین المعجزات، ص ۲۰۲؛ التلخیص فی أصول الفقه، ج ۲، ص ۲۹۶).

۴- شرط سید: «مسبق نبودن شنوندگان به شبهه یا تقلیدی منافی مضمون خبر متواتر برای تحقق علم قطعی از آن»

این شرط که در حقیقت، از عناصر مهم تحقق علمی یقینی برای سامعین خبر متواتر دانسته شده، نخستین کسی که چنین شرطی را مطرح ساخته و علت آن را بیان داشته و نیز بعضی از اشکالات مترتب بر آن را پاسخ داده است، «سید مرتضی» فقیه، اصولی و متکلم شیعی در قرن چهارم هجری است (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۰؛ چه، پیش از او کسی صراحتاً بدین شرط نپرداخته و نامی نیز از قائلین اشکالات که سید بدانها پاسخ داده، برده نشده است و پس از او، عموم شیعیان، از جمله شیخ طوسی (العهده فی اصول الفقه، ج ۱، ص ۷۷-۸۲)، شهیدثانی (الرعايه فی علم الدرايه، ص ۶۴-۶۵)، ابن شهیدثانی (معالم الدین و ملاذ المجتهدین، ص ۱۸۶)، میرزای قمی (قوانین الاصول، ص ۴۲۶-۴۲۷)، هاشمی (بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۳۳۴-۳۳۳) و برخی از اهل سنت، به نقل از سید مرتضی (المحصول فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۵۹؛ الفائق فی أصول الفقه، ج ۲، ص ۱۵۴) یا بدون اشاره به وی (مانند: منهاج الوصول، ص ۱۵۸؛ اصول الفقه، ج ۲، ص ۴۸۱)، این شرط و مباحث مرتبط بدان را ذکر کرده‌اند، بدون این که انتقادی متوجه آن نمایند و برخی از اهل سنت، مانند هندی (به نقل از: البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۳) نیز با اعلام وجود اشکال در مبانی این شرط، آن را شرطی قابل اعتنا دانسته‌اند و برخی دیگر نیز ضمن نقل این شرط از سید، آن را رد کرده‌اند (شرح مختصر الروضه، ج ۲، ص ۹۷؛ الإیهاج، ج ۲، ص ۲۸۸؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۲؛ شرح کوکب المنیر، ج ۲، ص ۳۴۲) و شهید ثانی در باره این شرط نیز می‌گوید که این شرط در جای خود نیکوست؛ زیرا با این شرط، این ادّعای مخالفین اسلام را که گفته‌اند «محمّد (ص) ادّعای پیامبری نموده و

بر طبق آن معجزات بر دست مبارکش در راستای اثبات حقانیتش، ظاهر گردیده، به حد تواتر به ما نرسیده است.» جواب داده می‌شود؛ زیرا عدم حصول علم به متواتر برای آنها - به غیر مسلمانان - به جهت مسبوق بودن آنها به شبهه‌ای در نفی آن است و اگر این شرط نمی‌بود، جوابی برای آنها، بجز معجزه قرآن وجود نداشت. نیز سخن مخالفان تواتر نص دال بر خلافت بلافصل علی(ع) را جواب می‌شود؛ زیرا آنها به جهت شبهه‌ای، معتقد به نصی در این باره(و در نتیجه، خلافت بلافصل) نمی‌باشند(الرعايه في علم الدرايه، ص ۶۴-۶۵).

۵- دلایل قائل شدن به شرط سید: برای قائل شدن بدین شرط، چهار دلیل زیر ذکر شده است:

۵-۱- حصول علم متواتر از طریق عادت^۱؛ زیرا مستند بودن این علم به عادت و حصول آن از این طریق، نقصان و زیادت در شروط متواتر را، بنابر مصلحتی که خدا می‌داند، ممکن می‌سازد(الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۰). بدین ترتیب، از آنجا که تحقق علم از متواتر حتمی و قطعی(به اصطلاح عقلی و منطقی) نیست و احتمال عدم تحقق آن به عللی است، در این صورت، شبهه و اعتقاد مخالف، می‌توانند از عللی باشد که مانع تحقق قطعی علم از متواتر گردد، بدین گونه که اگر شنونده معتقد به نقیض مضمون خبر پیش از شنیدنش نباشد، برایش علم بدان حاصل می‌شود و اگر چنین اعتقاد داشته باشد، حاصل نمی‌شود.

۵-۲- مانع بودن وسواس و اعتقاد خلاف در حصول قطعی یا سریع علم؛ بدین گونه که مبتلا به وسواس ذهنی از یکسو و خلاف عادت و اعتقاد و عاطفه بودن خبر برای شنونده از سوی دیگر، مانع پذیرفتن خبر متواتر و دست کم موجب کُند شدن روند حصول یقین می‌شوند(بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۳۳-۳۳۴).

که این در حقیقت، همان مدعای شرط است نه دلیل آن، هر چند در اینجا، پذیرفته شده که ممکن است که با این وجود، علم قطعی حاصل شود اما با تأخیر. پیشتر نیز برخی از اهل سنت، بدین دلیل تحت عنوان «چیرگی شبهه مستقر و راسخ بر علم وارد و جدید»، اشاره کرده‌اند، به رغم مخالف با این شرط و گفته‌اند: قلب جایگاه علم است و اگر نقیض خبری در آن استقرار یابد، پس اگر خود خبر پس از آن بر قلب وارد شود، چندان جایگاهی نیافته و به نسبت خبر اول، ضعیف بوده و نه توانایی کنار زدن آن را دارد و نه امکان جمع با آن را که نقیضش است، دارد؛ پس شکست خورده، باز می‌گردد و همچنان نقیض آن در جایگاه علم باقی می‌ماند، بر خلاف زمانی که قلب تهی از

نقیض خبر باشد؛ چون در آن صورت، با محلی خالی، بدون معارض و مانعی روبه رو می‌شود، پس در آن استقرار می‌یابد (شرح مختصر الروضه، ج ۲، ص ۹۷).

۵-۳- جواز مانع بودن سبقت شبهه یا تقلیدی در نظر و استدلال، از حصول علم؛ بدین گونه که بیشتر مخالفین این شرط، قائل به این هستند که در نظر و استدلال، شبهه و تقلیدی می‌تواند مانع حصول علم شود. مانع بودن سبقت شبهه یا تقلید از حصول علم قطعی در متواتر که عادتاً پیش می‌آید نیز مانند آن است و اگر معتقد به مانع بودن شبهه و تقلید در حصول علم استدلالی باشیم، در این صورت باید گفت که جواز منع این دو، در علمی که از طریق عادت حاصل می‌شود، اولی خواهد بود (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۱)؛ زیرا استدلال، قوی‌تر از عادت است و وقتی در استدلال امکان دارد، عادت به طریق اولی امکان خواهد داشت.

۶- نقد شرط سید: مخالفین این شرط، بنابر دلایل زیر، بر آن هستند که برای حصول علم از خبر متواتر، تهی بودن ذهن شنونده از نقیض خبر؛ یعنی شبهه یا تقلید منافی آن، شرط نیست. بلکه چه شنونده، به نقیض خبر اعتقاد داشته باشد یا نه، برای سامع علم از خبر متواتر، بنابر عادت، حاصل می‌شود. این دلایل عبارتند از:

۶-۱- ضعیف نبودن اعتقاد جدید؛ بدین گونه که همیشه اعتقاد جدید ضعیف‌تر از اعتقاد مستقر یا ناتوان نسبت بدان نبوده تا نتواند آن را زایل کند؛ زیرا علم در هر حال، حاصل می‌شود و متوقف بر اعتقاد پیشین شنونده نیست (شرح کوکب المنیر، ج ۲، ص ۳۴۲). بلکه به تجربه، ثابت شده که گاهی ما علم قطعی به چیزی، به سبب خبر متواتری پیدا کرده‌ایم، در حالی که پیش‌تر به خلاف مضمون خبر اعتقاد داشتیم (الإبهاج، ج ۲، ص ۲۸۸) و بدیهی است که در صورتی که یکی از دو علم، درست، قوی‌تر یا کامل‌تر باشد، بر دیگری ترجیح داده و غالب می‌شود و علمی درست‌تر، قوی‌تر یا کامل‌تر از اعتقاد ناشی از خبر متواتر نیست و اگر انکاری در اینجا از سوی صاحب علم غلط، ضعیف یا ناقص، نسبت به علم صحیح، قوی یا کامل صورت گیرد، این انکار، مبتنی بر عوامل دیگری چون کینه، حسد، نفرت، منافع شخصی، گروهی، طبقاتی و ... خواهد بود یا آن علم، به درستی و دقت بر مخالف عرضه نشده است. به عبارت دیگر، اگر کسی به علمی صحیح، قوی‌تر یا کامل‌تر؛ در اینجا؛ یعنی اعتقاد حاصل از خبر متواتر، تن ندهد، قطعاً به سبب غلط، ضعیف یا ناقص بودن آن نیست، بلکه به اسبابی غیر علمی مانند آنچه ذکر شد، می‌باشد و

اگر گفته شود که به سبب غلط، ضعیف یا ناقص بودن این اعتقاد است، در این صورت، علم حاصل از متواتر، در حالی که قطعی است، غیر قطعی دانسته شده است و این نوعی تناقض‌گویی است. به هر حال، کسی منکر علم قطعی حاصل از خبر متواتر نیست.

۶-۲- اولویت نفی یک خبر توسط خبر متواتر نسبت به استدلال: برای مثال، کفر و ایمان، نقیض هم، اما هر دو از اعتقادات و علوم هستند و ضرورتاً، نفی کفر به ایمان و نفی ایمان به کفر، با استدلال، جایز است. پس نفی یک خبر، به علم حاصل از خبر متواتر، اولی خواهد بود (شرح مختصر الروضه، ج ۲، ص ۹۸)؛ زیرا علم حاصل از استدلال، به قوت و اعتبار علم حاصل از خبر متواتر نیست و پیوسته در آن امکان تردید است.

۶-۳- عدم تفاوت میان اخبار متواتر؛ بدین گونه که ضرورتاً تفاوتی در حصول علم به مکه، بغداد، موسی، فرعون، کسری، قیصر، فتح مکه و دیگر قضایای متواتر، برای کسی که اعتقاد به نقیض آن دارد (بر فرض وجود) و کسی که ندارد، نیست و موضوعاتی چون معجزات غیر قرآنی پیامبر (ص) و ولایت امام علی (ع) نیز مانند چنین موضوعاتی است؛ اگر خبر متواتر نوع اول مطلقاً علم ایجاد می‌کند، خبر متواتر این نوع موضوعات نیز باید مطلقاً علم ایجاد کند (شرح مختصر الروضه، ج ۲، ص ۹۷؛ الإبهاج، ج ۲، ص ۲۸۸؛ البحر المحیط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۳). همچنان که بر اساس شرط سید، جائز است به صدق فردی از عقلاً حکم کنیم که مدعی است از وجود بزرگان و حوادث بزرگ منقول به اخبار تواتر، به سبب شبهه‌ای نسبت بدانها دارد، به رغم تواتر خبر و کمال عقل شنونده، علم ندارد. در حالی که چنین چیزی، ممکن نیست (البحر المحیط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۳) و خلاصه آن که شبهه، قادر بر دفع علم ضروری نیست (البحر المحیط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۳).

البته سید مرتضی و پیروانش در پاسخ بدین نقد، گفته‌اند که حصول علم ضروری از اخبار شهرها و حوادث، مانند حصول علم قطعی از اخباری مانند معجزات پیامبر (ص) به جز قرآن، مانند: ناله سنگ (برای حدیث ناله سنگ ر.ک: السنن، دارمی، ج ۱، ص ۱۶؛ الصحيح، ابن حبان، ج ۱۴، ص ۴۳۶؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۴۱۱؛ إعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۷۶؛ اربلی، ۱۴۰۵ق، ج ۸، ص ۱۶۳ و ۱۷، ص ۳۲۷ و ۶۵، ص ۳۳)، انشقاق قمر (ر.ک: بخاری، الصحيح، ج ۴، ص ۱۸۶؛ الصحيح، مسلم، ج ۸، ص ۱۳۳؛ السنن، ج ۳، ص ۳۲۲؛ روضه الواعظین، ص ۶۳؛ بحار الأنوار،

ج ۱۷، ص ۳۴۸-۳۵۰)، تسبیح سنگریزه (برای حدیث تسبیح سنگریزه ر.ک: دلائل النبوه، ج ۱، ص ۴۰۴-۴۰۵؛ مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۹۸-۲۹۹؛ فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۶، ص ۴۳۳) و مانند آن و نیز خبر نص آشکار بر امام علی(ع)، نیست، لذا مخالفین اسلام نمی‌توانند در خصوص معجزات پیامبر(ص) در غیر قرآن و مخالفین امامیه، در خصوص نص به امامت علی(ع)، به صرف عدم اعتقاد خود، ادعای عدم تواتر را کنند (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۰-۳۵۱، ۳۵۲؛ مقباس الهدایه فی علم الدرایه، ج ۱، ص ۱۰۶).

همچنین گفته شده که ما ضرورتاً می‌دانیم انگیزه‌ای که عقلاً را به نفی یکی از شهرها یا یکی از حوادث بزرگ وامی‌دارد، وجود ندارد و هیچ نوع شبهه‌ای در اینجا وارد نیست (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۲). اما همچنان که هاشمی متذکر شده، به نظر می‌آید یکسانی میان دو نوع خبر بالا، اگر هر دو مبتنی بر تواتر باشند، درست‌تر باشد و دلیلی قانع‌کننده بر تفکیک میان دو نوع متواتر ارائه نشده و آنچه در باره اخبار شهرها گفته شده، در باره دیگر احادیث متواتر نیز صادق است، هر چند می‌توان، نسبت به سرعت یا کندی تحقق علم از یک متواتر نسبت به متواتر دیگری سخن گفت (بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۳۴-۳۳۳).

۴-۶- یکسانی علم به تواتر استواء و مجیء خداوند: از قول «قرطبی» گفته شده که آیه استواء (استواء بر عرش همچنان که در آیات: اعراف/۴۵، یونس/۳، رعد/۲، طه/۵، فرقان/۵۹، سجده/۴، حدید/۴ بدان تصریح شده) و مجیء (آمدن خداوند چنان که در آیات (بقره/۲۱۰، فجر/۲۲ بدان تصریح شده)، این نظریه را رد می‌کند؛ زیرا در علم به تواتر آن (از حیث آن که قرآنی و وحی منزلند)، معتقد به دلالت ظاهری آیه و عدم معتقد به این دلالت، هر دو، یکسانند (البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۳). ظاهراً منظور آن است که اعتقاد به وجود این آیات در قرآن که چنین دلالتی دارند (چه به معنای ظاهری معتقد شویم و چه به معنای تأویلی) و صحّت نزول آنها، به جهت تواترشان، برای همه یکسان است و إلّا نسبت به دلالت این آیات که معنای ظاهری مراد است یا تأویلی، میان مسلمانان اختلاف می‌باشد و خود این موضوع، نشانگر امکان اختلاف در مدلول خبر متواتر برغم تواترش است، همچنان که در آیات بسیار قرآنی برغم تواترشان چنین اختلافی در مدلول آنها روی داده است.

به هر حال، اگر مراد سبکی این باشد که مخالف و موافق مدلول ظاهری یا تأویلی، معتقدند که این آیات، آیات متواتر قرآنی هستند، در این صورت، باید گفت از آنجا که اختلاف در مدلول آیات پس از نزول آنها نه پیش از آنها است و کسی پیش از آن ذهنیتی نسبت به مضمون خبر نداشته است و این که آنها صرفاً با تواتر آیات روبرو هستند نه با تواتر مدلولشان، استدلال او در رد شرط سید مخدوش است.

۵-۶- مذهبی و ایدئولوژیکی بودن این شرط: گفته شده که هدف اصلی سید مرتضی از مطرح کردن چنین شرطی، اثبات عقاید شیعه در خصوص تواتر نص بر امامت علی(ع) (مانند حدیث غدیر خم) و توجیه عدم قبول مخالفین و عدم ایجاد علم توسط این تواتر برای آنها است (الإبهاج، ج ۲، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۳)؛ یعنی برای مخالفین یعنی اهل سنت، به سبب شبهه‌ای نافعی آن و اعتقادی خلاف آن، یعنی اعتقاد به خلافت ابوبکر پس از پیامبر(ص)، نص متواتر بر خلافت بلا فصل علی(ع)، علم ایجاد نمی‌کند (شرح مختصر الروضه، ج ۲، ص ۹۷؛ الإبهاج، ج ۲، ص ۲۸۸؛ البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۳). این، افزون بر واحد بودن خبری است که ادعای تواتر آن را کرده است، به خصوص آن که اگر چنین حدیثی وجود داشت، بر اهل سقیفه پنهان نمی‌ماند و از زن و مرد و موافق و مخالف از آن سخن گفته و راویان حدیث آن را اخراج می‌کردند (الإبهاج، ج ۲، ص ۲۸۹).

از سویی دیگر، اساساً نه نصی برای ولایت علی(ع) وجود دارد و نه نصی بر ولایت ابوبکر و اگر چنین بود، پنهان ماندن آن نصوص - اگر از وقایع بزرگی باشند که انگیزه‌ها بر نقل آنها بسیار بوده - محال است. بلکه آنها صرفاً اخبار آحادی هستند که دلالت برخی از آنها آشکار و برخی، پنهان است، مانند فرموده پیامبر(ص): «اَقْتَدُوا بِالَّذِينَ مِنْ بَعْدِي: أَبِي بَكْرٍ وَعُمَرُ» (برای حدیث، ر.ک: المسند، ج ۵، ص ۳۸۲؛ السنن، ج ۵، ص ۳۳۶؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۲۱۲) و درباره علی(ع) فرمود: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (برای حدیث، ر.ک: الصحيح، بخاری، ج ۵، ص ۱۲۹؛ المسند، ج ۱، ص ۱۷۰؛ الصحيح، مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰؛ السنن، ج ۵، ص ۳۰۲) و آنچه در «غدیر خم» فرمود و هر مذهبی به یکی از این دو نوع حدیث چنگ می‌زند (شرح مختصر الروضه، ج ۲، ص ۹۸-۹۹).

در ادامه نیز گفته شده که چرا نباید گفت که بر خلافت «ابوبکر»، نص متواتری از پیامبر(ص) وجود دارد که برای

شیعه به جهت اعتقاد تقيضش، یعنی نص پیامبر(ص) بر امامت علی(ع)، علم ایجاد نمی‌کند. نهایت آن که این دو ادعای شیعه و اهل سنت، هر یک، اولی از دیگری نیست(شرح مختصر الروضة، ج ۲، ص ۹۹-۱۰۰)، لذا این تلاش سید مرتضی برای اثبات حقانیت ادعای شیعیان، بی‌ثمر می‌باشد(شرح مختصر الروضة، ج ۲، ص ۱۰۰).

البته سید مرتضی به شبهه‌ای که نافی خلافت بلافضل علی(ع) بنا بر نص متواتر از پیامبر(ص) که از نظر اهل سنت، همان اعتقاد به خلافت بلافضل ابوبکر است، تصریحی ندارد و این استنباط اهل سنت در این باره است. اما آنچه مسلم است تواتر حدیث غدیر می‌باشد که بر خلافت بلافضل امام علی(ع) دلالت دارد و انکار تواتر آن که توسط خود اهل سنت که بدان اذعان کرده‌اند(سیر أعلام النبلاء، ج ۸، ص ۳۳۵؛ البداية و النهاية، ج ۵، ص ۲۳۳؛ قطف الازهار المتناثرة فی اخبار المتواترة، ص ۲۷۷-۲۷۸)، نوعی معانده و مکابره است، به ویژه آن که عموم راویان این حدیث از اهل سنت می‌باشند(برای تواتر حدیث غدیر، ر.ک: المسند، ج ۵، ص ۳۷۰؛ المعجم الكبير، ج ۵، ص ۱۷۵؛ المعجم الاوسط، ج ۲، ص ۲۷۵؛ مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۰۷). لذا در صورت تواتر این حدیث که علم قطعی منتج از آن می‌شود، بهتر است که مخالفت با آن را نه به سبب وجود معارض که چنین معارضی وجود ندارد یا وجود شبهه‌ای در مخالف، بلکه به سبب عناد و دیگر عوامل مانند منافع دنیوی دانست یا حداکثر گفت که نزد برخی به جهت عدم تحقق شروط متفق علیه متواتر، تواتر چنین حدیثی حاصل نشده که اگر شود، برای او نیز این علم حاصل می‌شود.

همچنان مقایسه میان حدیث «اقتدوا» با حدیث منزلت، مقایسه مع الفارق است. حدیث «اقتدوا»، به اعتراف دانشمندان اهل سنت، حدیثی موضوع و جعلی است(میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۰۴، ۱۴۲ و ج ۳، ص ۶۱۱؛ منهاج الوصول الى علم الاصول، ج ۴، ص ۸۸؛ لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۸۸، ۲۷۳ و ۵، ص ۲۳۷)، در حالی که حدیث منزلت توسط اهل سنت به طرقی صحیح منقول(ذکر شد) و بلکه برخی از آنها ادعای تواتر در آن کرده‌اند(قطف الازهار المتناثرة فی اخبار المتواترة، ص ۲۸۱؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ص ۳۱-۳۲؛ نظم المتناثر من الحديث المتواتر، ص ۱۹۵). ضمن این که از فوائد این شرط، اثبات تواتر معجزات غیر قرآنی پیامبر(ص) به رغم نفی آن توسط غیر مسلمانان است نه صرفاً اثبات ولایت امام علی(ع)، هر چند در میان خود مسلمانان، وجود دارند

کسانی که چنین معجزاتی را متواتر نمی‌دانند (ر.ک: الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۲۰۰، ۲۲۳، ۲۲۵؛ معیارهای شناخت احادیث ساختگی، ص ۳۳۱-۳۳۲).

۶-۶- عدم حصول علم برای افرادی که شبهه و تقلیدی ندارند؛ بدین گونه که خبر متواتر، برای کسی که مسبوق به اعتقاد نفی مضمون خبر باشد، علم ایجاد نمی‌کند و برای کسی که چنین سابقه‌ای نداشته باشد، علم ایجاد می‌کند و این در حالی است که علم ضروری به معجزات غیر قرآنی پیامبر (ص)، برای تمام مسلمانان و علم ضروری به نص بر امامت، برای همه امامیه حاصل نشده است، (در حالی که قاعدتاً این دو گروه نباید نسبت به این دو موضوع، مسبوق به شبهه‌ای نافی آن دو باشند).

صاحب این نقد مشخص نشد و آنچه آمد به نقل از سید مرتضی (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۱) می‌باشد و همو در دنباله به طور کلی پاسخ داده می‌دهد که اگر خبر، ذاتاً از اموری باشد که مسبوق به اعتقاد نافی آن، به جهت شبهه یا تقلید باشد، در این صورت، خداوند عادت را بر آن قرار می‌دهد که علم از آن حاصل نشود و اگر از اموری باشد که مسبوق به اعتقادی نافی نشود، مانند خبر از شهرها، در این صورت، خداوند عادت را بر آن قرار می‌دهد که علم از آن حاصل شود (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۱) و این پاسخ در حقیقت تکرار همان شرط مورد بحث این نوشتار است و در واقع جواب را با مدّعایی داده شده که خود مورد سوال است. شگفت آن که سید مرتضی در پاسخ، به این مطلب مهم اشاره نکرده که در میان امامیه، کسی یافت نمی‌شود که علم قطعی به نص بر امامت علی (ع) نداشته باشد، بلکه عدم چنین علمی، نافی امامی بودن فرد خواهد بود. در حالی که حق آن بود، حداقل سید به این نکته در نفی استدلال مخالف اشاره می‌کرد. اما در باره معجزات غیر قرآنی پیامبر (ص) باید گفت که چنین موضوعی محلّ تأمل بوده و برخی به معجزه‌ای متواتر از پیامبر (ص) مگر قرآن اعتقاد ندارند (ر.ک: الموضوعات فی الآثار و الاخبار، ص ۲۰۰، ۲۲۳، ۲۲۵؛ معیارهای شناخت احادیث ساختگی، ص ۳۳۱-۳۳۲).

به هر حال، اصل سخن که چنین شرطی، در مواردی، مانند اعتقاد به معجزات غیر قرآنی پیامبر (ص) جوابگو نبوده و افزون بر غیر مسلمانان، در میان مسلمانان که قاعدتاً نباید مسبوق به شبهه یا تقلیدی نافی مضمون اخبار مرتبط باشند، مخالفانی دارد. ضمناً متذکر می‌شود که نزد غیر مسلمانان، آنچه در خصوص قرآن اعتقاد وجود دارد، قطعیت

ظهور آن توسط پیامبر(ص)، نه معجزه بودن آن است، هر چند چنین مطلبی نیز متکی به اخبار متواتر در این باره است.

۶-۷- اتکای این شرط بر مبنای باطل «تولّد»^{۱۱} نه «عادت»^{۱۲}: این شرط مبتنی بر این نظر است که علم حاصل از خبر تواتر، از طریق تولّد حاصل می‌شود که در این صورت، محال است که علم در محلّ نقیض یا ضدّ آن متولّد شود. در حالی که گفته شده که علم تواتر، به خلق خداوند هنگامِ اِخبار(خبر دادن) حاصل می‌شود. همان گونه که جایز است خداوند آن علم را در قلب با عدم وجود نقیضش، خلق کند، جایز است که آن را با وجود نقیضش خلق کند و برای آن نیرویی که نقیض آن را دفع کند، ایجاد نماید و به جای نقیضش مستقر سازد. همان گونه که یقین، شک و ظن را برطرف می‌کند، به خصوص که اعتقاد، ضعیف‌تر از علم تواتر است و این علم در کنار زدن آن اعتقاد ضعیف نیرومندتر است، همچنان که در محسوسات، دیده می‌شود و همچنان که یک پادشاه نیرومند، کشوری را فتح و بر آن مسلط شده و دشمنانش را سرکوب و فراری می‌دهد. خداوند فرمود: «فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَ عَيُْونٍ، وَ كُنُوزٍ وَ مَقَامٍ كَرِيمٍ، كَذَلِكَ وَ أَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَآئِيلَ» (شعراء/۵۷-۵۹) (سرانجام ما آنان را از باغستانها و چشمه سارها، و گنجینه‌ها و جایگاه‌های پر ناز و نعمت بیرون کردیم، [اراده ما] چنین بود و آن [نعمتها] را به فرزندان اسرائیل میراث دادیم) و «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (نمل/۳۴) (پادشاهان چون به شهری درآیند آن را تباہ و عزیزانش را خوار می‌گردانند و این گونه می‌کنند) (شرح مختصر الروضه، ج ۲، ص ۹۸).

این در حالی است که سید مرتضی، اتکای این شرط برای حصول علم در متواتر را به جهت، وجود «عادت» در حصول علم در این نوع حدیث دانسته است نه به تولّد. بلکه برخی با تصریح بر این که نظر سید مرتضی متکی بر حصول علم از متواتر بنا بر عادت است نه تولّد، سید را نقد کرده و مبنای او را اشتباه دانسته‌اند (البحر المحیط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۳)، اما گفته نشده که چرا این مبنا و قرار ندادن تولّد به عنوان مبنا، موجب این اشتباه شده است.

۶-۸- نفی علم قطعی حاصل از خبر متواتر: چنین شرطی، علم یقینی حاصل از متواتر را به طور مطلق نفی می‌کند؛ زیرا اگر علم حاصل از متواتر، یقینی و به عبارت دیگر، ضروری باشد، در این صورت، وجود شبهه یا تقلیدی،

نمی‌تواند مانع آن باشد، بلکه چنین خبری باید از بین برنده شبهه و تقلید مخالف آن گردد و اعتقاد به این شرط، با اعتقاد به این که تواتر موجب علم یقینی و قطعی می‌شود، در تعارض است.

۹-۶- وجود شبهه یا تقلیدی در امری، نافی تواتر آن امر است^۲؛ بدین گونه که وجود شبهه یا تقلیدی مخالف مضمون خبر متواتر، در حقیقت، پیش از هر چیز، نشانگر عدم متواتر بودن آن مضمون است، نه عدم حصول علم از خبر متواتر برای صاحب شبهه و تقلید؛ چرا که اگر چنین تواتری وجود داشت، عادتاً نباید مخالفی یا شبهه و تقلید خلاف آن می‌بود مگر آن مخالفت بر مبنایی غیر علمی چون حسادت و نفرت و ... باشد. به عبارت دیگر، اگر خبری متواتر شد، با حفظ شرائط خود، دیگر نمی‌توان بر وجود خبر مخالف آن اذعان داشت و اگر خبری خلاف آن باشد، باید متأخر از زمان تحقق تواتر و بنابر عناد و مکابره باشد.

چه بسا، تعریف هاشمی (بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۳۴-۳۳۳) که اشاره به کندی حصول علم از متواتر کرده، نوعی اذعان به این است که حصول علم از متواتر، خواه ناخواه از لوازم آن است و دیر یا زود دارد، اما در نهایت محقق می‌شود.

۱۰-۶- شبهه ناتوانی در اقناع: شرط سید، به گونه‌ای متضمن شبهه ناتوانی و ضعف استدلال و به نوعی فرار به جلو در مباحث است؛ بدین گونه که هر گاه خبری که ادعا می‌شود متواتر است، موجب علم برای مخالف نشود، به جای آن که نسبت قوت استدلال خود یا تواتر خبر تردید شود، شنونده متهم می‌گردد و بدین ترتیب خود و پیروان خود را نسبت به عدم اقناع مخالف، مجاب می‌شوند. با این شرط، به آسانی می‌توان از پاسخگویی نسبت به شبهات یا اعتقادات مخالف، سرباز زده و در لاک اعتقادات خود فرو رفت، بدون آن که به صحت و سقم ادله خود یا مخالفین توجه کرده و در صدد کشف بی‌طرفانه حقیقت بود و در حقیقت، صورت مساله حذف می‌شود.

با این شرط، هر گاه فردی، نظری که ادعای صحتش را داریم یا خبری که ادعای تواتر آن را داریم، قبول کند، او را بدون شبهه یا تقلیدی منافی آن نظر یا متواتر خواهد بود و گر نه دارای شبهه و تقلیدی منافی توصیف شده و تردیدی در ضعف نظر خود یا عدم صحت تواتر خبر خود، به خود راه نمی‌دهیم و این نوعی مصادره به مطلوب بوده و متکی بر نگاه پسینی به موضوع است نه نگاهی پیشینی (بدین گونه که پیشاپیش مشخص نیست که فردی دارای شبهه یا

تقلیدی مخالف است مگر آن که با نظر ما موافق یا مخالف شود که در این صورت، گفته می‌شود که او مسبوق به شبهه یا تقلید مخالف است یا نه).

۶-۱۱- بی‌فایده بودن تحقیق و تألیفات مدافع اعتقاد مذهبی: اگر این شرط پذیرفته شود، آن گاه، توجیهی برای شیعیان برای بسیاری از تألیفات در خصوص اثبات تواتر نص بر امامت علی(ع) و اثبات جانشینی وی(مانند کتاب سترگ الغدیر) بی‌وجه خواهد بود؛ زیرا این کتابها و تألیفات برای اقناع مخالفینی است که دارای شبهه یا اعتقاد مخالفند، لذا برای آنها بی‌فایده بوده و چنین زحماتی بی‌نتیجه است. اما کسی از نویسندگان چنین تألیفاتی، چنین پیش‌فرضی نداشته، بلکه امیدوارند که مباحث آنها، موجب هدایت مخالفین در هر سطحی که هستند، بشود و اگر این شرط پذیرفته شود، توجیهی مناسب برای پدیده مستبصرین که بنابر تواتر نص امامت، شیعه می‌شوند، وجود نخواهد داشت.

اگر گفته شود که وظیفه هر شیعی است که برای بیان حق، تبلیغ و تلاش کنند و او مأمور به تکلیف هستند نه نتیجه و فایده، در این صورت، باید گفت تکلیفی که نتیجه قطعی و عملی برای آن متصور نباشد و بدون پیش‌فرض نتیجه داشتن، انجام شود، قطعاً وجود خارجی نداشته و اگر داشته باشد تکلیفی و وظیفه‌ای عبث خواهد بود و این تعبیر که ما به تکلیف مأمور هستیم نه به نتیجه، به معنای بی‌نتیجه و فایده بودن تکالیف و وظایف مأموریه نیست، بلکه بدان معناست که فرد ولو در صورت عدم حصول نتیجه برای او، باید به تکلیف خود عمل نماید. یادآور می‌شود که برخی تکالیف مانند روزه، نماز، زکات و ...، قطعاً برای نتیجه انجام می‌شود و الاً دلیلی برای تشریع آنها وجود نخواهد داشت، همچنان که تبلیغ و بیان حق نیز از جمله مواردی است که با توجه به نتیجه یعنی اقناع مخالف و برگرداندن اعتقاد او به نفع خود، صورت می‌گیرد، همچنان که عملاً نیز این تبلیغ و تلاش، گاهی نتیجه داده و برخی از مخالفان یا پرسش‌کنندگان را متقاعد و جذب کرده است.

۶-۱۲- جایگاه عادت در حصول علم: همچنان که در دلیل نخست مدافعین شرط سید ملاحظه شد، استناد علم حاصل از تواتر به عادت، اصلی‌ترین علت شرط سید است، اما باید متذکر شد که درست است در امور مبتنی بر عادت، عقلاً امکان تحقق خلاف، متصور است، اما چنین خلافتی باز عادتاً اتفاق نمی‌افتد و به عبارت دیگر، ممکن

است علمی در عالم ثبوت، محتمل خلاف باشد نه در عالم اثبات و واقعیت و عملاً آنچه اتفاق می افتد، تحقق علم حاصل از متواتر به طور مطلق در صورت تحقق شرایطش است و به عبارت دیگر، احتمال خلاف در علم حاصل از متواتر، امری ذهنی نه عینی و خارجی است. نهایت آن که به استناد به عادت در این نوع علم، نمی توان احتمال خلاف برای آن داد و در نتیجه در جستجوی اسباب این خلاف رفت.

۱۳-۶- تعارض شرط سید با ماهیت خبر متواتر و قطعیت علم حاصل از آن: شرط سید مرتضی، با تعریف و غرض از خبر متواتر که ایجاد علم قطعی هنگام شنیدن آن برای همه است، در تعارض است؛ زیرا همچنان که گفته شد، طبق تعریف متواتر، تحقق آن، در صورت استیفای عناصر و شروطش، موجب حصول علم برای همه می شود، در حالی با شرط سید، با وجود چنین تحقق و استیفای شروط، علم اگر حاصل شود، برای همان افراد ذینفع از مضمون خبر، حاصل می شود، نه برای مخالفین. بدین ترتیب، با ماهیت خبر متواتر که مقتضی حصول علم، صرف نظر از ذهنیت شنونده است، در تعارض می افتد.

۱۴-۶- دو سویه بودن فایده این شرط: در صورت پذیرفتن چنین شرطی باب استدلال بسته می شود به سبب این که پیروان هر عقیده و مذهبی با توجه بدین شرط، مخالفان خود را محکوم به داشتن شبهه می نمایند و از ارائه دلیل و مستندات نسبت به ادعاهای خود صرف نظر کنند یا نسبت به نقدهای صورت گرفته نسبت به ادعاهای خود، عکس العملی نشان نداده و آنها را پیشاپیش ناشی از شبهه خلاف بدانند. ضمن این که چنین رویکردی می تواند نزد مخالفین ما نیز باشد و آنها نیز اخباری را که در آنها ادعای تواتر کرده و در آن ذینفع هستند، با همین شرط، مبرا و منزله از نقد و اشکال ببابند.

۱۵-۶- شرط سید و موضوع پیش فرض: شرط سید، کمابیش اشاره به موضوع وجود پارادایم (الگو واره) یا پیش فرضها در افراد و تأثیر آنها در قضاوتها و تحلیل های آنان در شنیدنی ها یا نظریات دارد که موضوعی مورد قبول همه است. اما چنین واقعیتی، به هیچ عنوان به معنای عدم تأثیرگذاری خبر متواتر یا استدلالی قطعی در اثبات چیزی یا حصولی علمی منافی پیش فرض نمی باشد و همچنان که ذکر شد، در تاریخ شیعه و اسلام بسیاری از

مخالفین آنها، با تحقیق و مطالعه، از نظرات و اعتقادات پیشین خود که مبتنی بر پیش‌فرض‌های خاص خود بوده، عدول کردند.

۷- شرط دور از التباس و شبهه بودن مُخبر عنه

از آنجا که قید عدم وجود شبهه یا التباس را سید مرتضی در مخبر عنه هم یاد آور شده (الذریعه الى اصول الشریعه، ص ۳۵۵؛ الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۶۸)، در اینجا نیز به این شرط استطراداً پرداخته می‌شود. سید مرتضی، در پاسخ بدین سخن که نصارا به تواتر نقل می‌کنند که مسیح کشته و به صلیب کشیده شد، پس باید به خبرشان اعتقاد یافت، با طرح این شرط، توضیح می‌دهد که آشکار است که شبهه، مردم را به دروغ برمی‌انگیزاند و مردم را بر آن گرد می‌آورد، همچون خبر دادن جمع بسیاری از اهل باطل از مذاهب باطل خود، به سبب شبهه‌ای که بر آنها وارد شده است (الذریعه الى اصول الشریعه، ص ۳۵۵؛ الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۷۰) یا اموری مانند تقلید (الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۷۰) و اینجا، شبهه، جای تواطی در جمع بر کذب را می‌گیرد (همو، بی‌تا، ص ۳۵۵)؛ زیرا شبهه، آنها را بر آن می‌دارد تا خبر کاذب را صادق و مذهب باطل را حق بدانند و وقتی چیزی را درست بدانند، می‌توانند آن را با کثرت و بدون تواطی نقل کنند (الذریعه الى اصول الشریعه، ج ۲، ص ۷۰) و این علم که آن چیز، چیزی درستی است، آنها را به خبر دادن از آن واداشته و جای سبب جامع می‌نشیند. همچنان که اگر خلاف آن را معتقد باشند و علمشان چنان باشد که چیزی را نادرست بدانند، در این صورت، از خبر دادن از آن خودداری می‌کنند؛ زیرا آنچه در اینجا اعتبار دارد، اعتقاد است نه نفس الامر. از این رو، می‌توان در جاهایی، کذب را بر صدق، در صورت برابری این دو در سود و دفع زیان و در صورتی که در کذب، چنین اعتقاد شود که آن صدق است، اختیار شود (الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۷۱)

این شرط، هر چند نزد دیگران به صراحت ذکر نشده، اما ضمن مباحث برخی از آنان مشاهده می‌شود؛ همچنان که باقلانی (البیان عن الفرق بین المعجزات، ص ۲۰۳)، غزالی (المستصفی فی علم الأصول، ص ۱۱۱)، الإحکام فی أصول الأحکام (ج ۲، ص ۲۸) و زرکشی (البحر المحيط فی أصول الفقه، ج ۶، ص ۱۰۰) به مانند سید، در نقد تواتر اخبار مسیحیان در خصوص کشته شدن و به صلیب کشیده شدن حضرت مسیح، موضوع شبهه در مخبر عنه را مطرح کرده

و از این طریق، با زیر سوال بردن اصل موضوع، تحقق تواتر چنین اخباری را بی فایده شمرده‌اند، بدون آن که اشاره‌ای بدین شرط به عنوان یکی از شروط تحقق علم از متواتر بکنند.

همچنین متذکر می‌شود که معتقدین بدین شرط (سید مرتضی به صراحت و دیگران در ضمن دیگر مباحث) برآنند که در این شرط، فرقی ندارد که مخبر عنه، مشاهد یا غیر مشاهد باشد؛ زیرا شبهه، افزون بر این که بر غیر مشاهد، مانند عقاید دینی وارد می‌شود، بر امور مشاهد نیز به گونه‌ای وارد می‌شود. از این رو، یهود و نصاری با وجود بسیاری آنها و داشتن حد کثرت و شرایط تواتر، به صلیب کشیده شدن عیسی (ع) را (که امری مشاهد است) از روی التباس نقل کرده و گمان برده‌اند فردی را که دیده‌اند، حضرت مسیح می‌باشد، لذا قول آنها قابل قبول نیست (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۵؛ الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۷۱؛ البیان عن الفرق بین المعجزات، ص ۲۰۳ در شرط عدم انضمام متواتر به امری غیر معقول؛ المستصفی فی علم الأصول، ص ۱۱۱؛ الإحکام فی أصول الأحکام، ج ۲، ص ۲۸ در رد شرط اسلام و عدالت در مخبرین). البته برخی برآنند که سبب شبهه، آن است که شخص به صلیب کشیده شده، صورتش تغییر می‌کند و قابل شناسایی نیست یا دوری مصلوب از نظر که موجب التباس در عین و شخص مصلوب می‌شود (الذریعه الی اصول الشریعه، ص ۳۵۵؛ الشافی فی الامامة، ج ۲، ص ۷۱؛ البیان عن الفرق بین المعجزات، ص ۲۰۳ در شرط عدم انضمام متواتر به امری غیر معقول؛ المستصفی فی علم الأصول، ص ۱۱۱ در رد شرط عدم وحدت دینی مخبرین).

عموماً این شرط توسط گذشتگان نقد نشده است، اما می‌توان در این باره به نکات زیر اشاره کرد:

۷-۱- دلیلی بر این که اخبار اهل کتاب و برای مثال خبر به صلیب کشیده شدن عیسی (ع)، در اصل، مبتنی بر شبهه و التباس در مخبر عنه بوده‌اند، وجود ندارد، جز این که چنین امری مخالف صریح قرآن و در نتیجه، اعتقادات ما در این باره است. اما این که بتوان به صورت امری فرادینی آن را اثبات کنیم، امکان ندارد. از این رو، چه بسا چنین تحلیلی برای ما قانع کننده باشد، اما برای مخالفین ما، نوعی مصادره به مطلوب تلقی خواهد شد. بلکه چنین تحلیل‌هایی، می‌تواند علیه صاحبان آنها نیز عمل کند و مخالفین مدعی آن شوند که اخبار متواتر ما، بر اساس شبهه و التباس است؛ زیرا بنابر اخبار و اعتقادات ما، چنین خبری درست نیست.

۷-۲- نوع تحلیل، به خصوص در مثال حضرت عیسی، تماماً بر حدس و گمان و احتمال، مبتنی است و خود سید مرتضی نیز از احتمال شبهه و التباس سخن می‌گوید، اما دلیل قطعی بر آن ذکر نمی‌کند؛ زیرا با مخبرین هم‌زمانی نداشته و نمی‌توانیم در مشاهده آنها شرکت کنیم و بر فرض مشارکت، برخورد ما شبهه یا التباسی روی ندهد. چنین تشکیکی را می‌توان نسبت به هر خبر متواتری انجام داد.

۷-۳- بسیار بعید بلکه غیر ممکن است که گروه بسیاری که بنابر تعریف، تواطی یا اتفاق آنها بر کذب عادتاً محال است، همه بر اساس شبهه یا التباس، نه مشاهده، سماع و ... از حادثه‌ای خبر دهند. به عبارت دیگر، عادتاً محال است که مخبرین تواتر اگر از امری حسی، خبر دهند، همه بالاتفاق در خصوص آن دچار التباس و شبهه شده باشند. بلکه باید کسانی باشند که در این مشاهده، بدون التباس و شبهه‌ای شرکت کرده و خبر داده باشند که در این صورت، برای مخبرین بر اساس شبهه و التباس، متواتری تحقق نخواهد پذیرفت؛ زیرا اتفاق یا تواطی همه در خبر از روی شبهه و التباس و در نتیجه خبر متواتری مشتمل بر این شبهه و التباس وجود نخواهد داشت.

۷-۴- به نظر می‌آید، چنین شرطی، افزون بر اشکالاتی که ذکر شد، با وجود شرط «استناد علم به حس و ضروری بودن آن نزد مُخبر» زائد باشد، چه اگر نوع خبر، حسی باشد، با وجود کثرت راویان، ورود شبهه و التباس در آن عادتاً ممتنع خواهد بود. همچنان برخی (تمهید الأوائل فی تلخیص الدلائل، ص ۲۰۳؛ المستصفی فی علم الأصول، ص ۱۱۱) تصریح دارند که هر نوع شبهه و التباس، بر اساس استناد علم به حس و ضروری بودن آن، مرتفع می‌شود. از این رو، باید گفت که با توجه به بسیاری خبردهندگان و شرط اخبار از امر حسی نزد همه آنها، عادتاً امکان شبهه و التباس در مُخبر عنه برای همه و خبر دادن از چنین مُخبر عنهی، وجود ندارد. ضمن این که چنین شرطی، بیشتر متکی بر حدس و گمان است نه قطعیت، بدین گونه که صاحبان چنین شرطی، در تطبیق آن بر مثال‌های خود، سخن نه به یقین بلکه به احتمال و گمان از چنین امری سخن می‌گویند و به نوعی، شبهه در خبر متواتر وارد می‌شود نه اثبات التباس و شبهه در مُخبر عنه. افزون بر آن، بجز اعتقاد ما نسبت به مُخبر عنه، ملاک و معیاری بیرونی برای اثبات التباسی بودن مُخبر عنه وجود ندارد و مخالفین ما نیز می‌توانند از این شرط استفاده کرده و اعتقادات ما را نسبت به مخبر عنه، بر پایه التباس و شبهه بشمارند، به صرف مخالفت با نحوه اعتقادشان نسبت به مخبر عنه. نهایت آن که دو

شرط مذکور، متواتر را نسبی و گروهی کرده و نه تنها منجر به نتیجه علمی و عملی از خبر متواتر نمی شوند بلکه بر اختلاف و تعمیق آن دامن می زنند.

نتیجه گیری

شرط خاص سید مرتضی در تحقق علم از خبر متواتر؛ یعنی عدم مسبوق بودن شنوندگان به شبهه و تقلید نسبت به مضمون خبر که با سه دلیل در تأیید آن و نیز به قصد دفاع از برخی اعتقادات خاصی از اعتقادات اسلامی و شیعی مطرح کرده، از دیر باز مورد انتقاد و مخالفت بوده و ضمن نقد دلایل سید، دلایل اثباتی متعددی در رد آن مطرح شده است و هر چند برخی از این دلایل مخالفین، از قوت زیادی برخوردار نیستند یا نقیض قطعی نظر سید تلقی نمی شوند، اما بیشتر دلایل مخالفین وارد بوده و صحیح می باشند.

به نظر می آید اگر به جای چنین شرط شکننده ای، ضمن قبول تحقق علم از خبر متواتر به مطلق، گفته شود که برخی از سامعین، به رغم تحقق علم، ممکن است از پذیرش آن به اسبابی غیر علمی، مانند حسادت، نفرت، منافع شخصی یا صنفی، سرباز زده و در قبول آن عناد می ورزند، درست تر است. به عبارت دیگر می توان گفت که همیشه نمی توان از شنونده متواتر، انتظار اعتراف و اقرار به مضمون آن داشت؛ چرا که ممکن است به دلایلی غیر علمی بخواهد نسبت به علم ناشی از متواتر، موضع گیری کند، هر چند عقلاً برای او علم از متواتر حاصل شده باشد، هر چند برای اثبات چنین نیت خوانی نیز در مضیقه شدیدی قرار خواهیم گرفت.

شرط عدم شبهه و التباس در مخبر عنه، شرط دیگر سید که موجه تر از شرط پیشین بوده و نزد برخی دیگر از دانشمندان عملاً استفاده شده نیز محل تأمل است؛ زیرا با توجه به شرط کثرت و کیفیت مخبرین، امکان شبهه و التباس برای همه مخبرین که شرط است حساً مخبر عنه را تجربه کنند، نیست. ضمن آن که سخن از شبهه و التباس در مخبرین بیشتر به صورت احتمال و حدس است نه قطع و یقین و بیشتر ایجاد شبهه در خبر متواتر است تا در خود مخبر عنه.

کتابنامه

-
١. ابن النجار، محمد بن احمد، شرح كوكب المنير، محقق محمد زحيلي _ نزيه حماد، بی جا، مكتبه العبيكان، چاپ دوم، ١٤١٨ق.
 ٢. ابن حاجب، عثمان بن عمر، مختصر منتهی السؤل و الامل فی علمى الاصول و الجدل، تحقيق نذير حمادو، بيروت، دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٢٧ق.
 ٣. ابن حبان، محمد، الصحيح، محقق شعيب الارنؤوط، بی جا، موسسه الرساله، چاپ دوم، ١٤١٤ق.
 ٤. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، فتح البارى شرح صحيح البخارى، بيروت، دارالمعرفه للطباعة و النشر، چاپ دوم، بی تا.
 ٥. _____، لسان الميزان، بيروت، موسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، ١٣٩٠ق.
 ٦. ابن حزم، على بن احمد، الفصل فى الملل والاهواء والنحل، قاهره، مكتبه الخانجى، بی تا.
 ٧. ابن حنبل، احمد، المسند، بيروت، دار صادر، بی تا.
 ٨. ابن شهيد ثانى، حسن بن زين الدين، معالم الدين و ملاذ المجتهدين، قم، موسسه النشر الاسلامى التابعه لجماعه المدرسين، بی تا.
 ٩. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم، مكتب الاعلام الاسلامى، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
 ١٠. ابن كثير، إسماعيل بن عمر، البدايه و النهايه، تحقيق على شيرى، دار إحياء التراث العربى، چاپ اول، ١٤٠٨هـ.
 ١١. ابن مفلح، محمد، اصول الفقه، محقق فهد بن محمد سدحان، بی جا، مكتبه العبيكان، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
 ١٢. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت، دار صادر، چاپ سوم، ١٤١٤ق.
 ١٣. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه، دار الاضواء، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.

-
١٤. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، محقق محمد عوض مرعب، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ٢٠٠١م.
١٥. اصبهانی، اسماعیل بن محمد، دلائل النبوه، محقق ابوعبد الرحمن مساعد، بی جا، دار العاصمة للنشر و التوزيع، بی تا.
١٦. آمدی، علی بن محمد، الإحكام فی أصول الأحكام، تحقیق عبدالرزاق عفیفی، بیروت - دمشق، المكتب الإسلامی، چاپ دوم، بی تا.
١٧. الباجی، سلیمان بن خلف، الحدود فی الأصول، تحقیق محمد حسن محمد، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
١٨. باقلانی، محمد بن طیب، البیان عن الفرق بین المعجزات و الکرامات و الحیل و الکهانة و السحر و النارنجات، بیروت، المكتبة الشریعة، ١٩٥٨م.
١٩. _____، تمهید الأوائل فی تلخیص الدلائل، تحقیق عماد الدین احمد حیدر، لبنان، مؤسسة الکتب الثقافیة، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
٢٠. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح، استانبول، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٠١ق.
٢١. بستانی، قاسم، معیارهای شناخت احادیث ساختگی، اهواز، رشد، چاپ اول، ١٣٨٦ش.
٢٢. بیضاوی، عبدالله بن عمر، منهاج الوصول الی علم الاصول، محقق شعبان محمد اسماعیل، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ١٤٢٩ق.
٢٣. بیهقی، احمد بن حسین، السنن الکبری، بی جا، دار الفکر، بی تا.
٢٤. پاکتچی، احمد، دائره المعارف بزرگ اسلامی، بی جا، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، ١٣٦٧ش.
٢٥. ترمذی، محمد بن عیسی، السنن، محقق عبدالوهاب عبد اللطیف، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
٢٦. جاحظ، عمرو بن بحر، الرسائل السیاسیة، بیروت، دار و مكتبة الهلال، بی تا.

٢٧. جزائري دمشقى، طاهر بن صالح، توجيه النظر إلى أصول الأثر، تحقيق عبد الفتاح أبو غده، حلب، مكتبة المطبوعات الإسلامية، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٢٨. جوينى، عبد الملك بن عبد الله، التلخيص فى أصول الفقه، تحقيق عبد الله جولم النبالي - بشير احمد العمرى، بيروت، دار البشائر الإسلامية، بى تا.
٢٩. دارمى، عبدالله بن بهرام، السنن، دمشق، بى تا، ١٣٤٩ق.
٣٠. ذهبى، محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارناؤوط، بيروت، مؤسسة الرسالة، چاپ سوم، ١٤٠٥هـ.
٣١. _____، ميزان الاعتدال، محقق على محمد بجاوى، بيروت، دار المعرفة للطباعة و النشر، چاپ اول، ١٣٨٢ق.
٣٢. راغب اصفهاني، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن، محقق صفوان عدنان الداودى، دار القلم - الدار الشاميه، دمشق - بيروت، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٣٣. زبيدى، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق على هلالى - على سبرى، بيروت، دارالفكر، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٣٤. زرکشى، محمد بن عبدالله، البحر المحيط فى أصول الفقه، بى جا، دار الكتبي، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٣٥. سبكى، على بن عبد الكافى - سبكى، عبد الوهاب بن على، الإبهاج فى شرح المنهاج على منهاج الوصول إلى علم الأصول للبيضاوى، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٦ق.
٣٦. سيد مرتضى، على بن حسين، الذريعة الى اصول الشريعة، محقق اللجنة العلميه فى مؤسسه الامام صادق ع، قم، مؤسسه الامام صادق، بى تا.
٣٧. _____، الرسالة، تحقيق احمد شاکر، مصر، مكتبة الحلبي، چاپ اول، ١٣٥٨هـ.
٣٨. _____، الشافى فى الامامة، قم، مؤسسه اسماعيليان، چاپ دوم، ١٤١٠ق.

٣٩. سيوطي، عبد الرحمن بن ابي بكر، قطف الازهار المتناثرة في اخبار المتواترة، تحقيق خليل محي الدين الميس، بي جا، المكتب الاسلامي، چاپ اول، ١٤٠٥هـ.ق.
٤٠. شافعي، محمد بن ادريس، الأم، بيروت، دار المعرفة، ١٤١٠ق.
٤١. _____، الرسالة، تحقيق احمد شاكر، مصر، مكتبة الحلبي، چاپ اول، ١٣٥٨ق.
٤٢. شهيد ثاني، زين الدين بن علي، الرايه في علم الدرايه، محقق عبدالحسين محمد علي بقال، قم، مكتبه آيه الله المرعشي النجفي، چاپ دوم، ١٤٠٨ق.
٤٣. شيرازي، ابراهيم بن علي، التبصرة في اصول الفقه، تحقيق محمد حسن هيتو، دمشق، دار الفكر، چاپ اول، ١٤٠٣ق.
٤٤. صفى هندی، محمد بن عبد الرحيم، الفائق في أصول الفقه، محقق محمود نصار، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٦ق.
٤٥. طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الاوسط، تحقيق قسم المحقق بدار الحرمين، بي جا، دار الحرمين للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٥هـ.ق.
٤٦. _____، المعجم الكبير، تحقيق حمدي عبدالمجيد السلفي، بي جا، دار احياء التراث العربي، چاپ دوم، بي تا.
٤٧. طبرسي، فضل بن حسن، إعلام الوري باعلام الهدى، بي جا، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٤٨. طوسي، محمد بن حسن، العده في اصول الفقه، محقق محمد رضا انصاري قمي، قم، بي نا، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٤٩. طوفى، سليمان بن عبد القوى، شرح مختصر الروضه، محقق عبد الله بن عبد المحسن التركي، بي جا، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ١٤٠٧ق.
٥٠. عتر، نورالدين، منهج النقد في علوم الحديث، دمشق، دارالفكر، چاپ سوم، ١٤٠١ق.

٥١. غزالي، محمد بن محمد، المستصفى فى علم الأصول، تحقيق محمد عبد السلام عبد الشافى، بى جا، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٣ق.
٥٢. فارابى، محمد بن محمد، المنطقيات، تحقيق محمد تقى دانش پژوه، قم، مكتبة آية الله المرعشى، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٥٣. فتال نيشابورى، محمد، روضه الواعظين، محقق محمد مهدى حسن خراسان، قم، منشورات شريف رضى، بى تا.
٥٤. فخر رازى، محمد بن عمر، المحصول فى علم الأصول، بيروت، موسسه الرساله، ١٤١٢ق.
٥٥. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ١٤٠٩ق.
٥٦. قرافى، احمد بن ادريس، شرح تنقيح الفصول، تحقيق طه عبد الرؤوف سعد، بى جا، شركة الطباعة الفنية المتحدة، چاپ اول، ١٣٩٣ق.
٥٧. كاشانى، ابو بكر بن مسعود، بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع، بى جا، دار الكتب العلمية، چاپ دوم، ١٤٠٦هـ.
٥٨. كتانى، محمد بن جعفر، نظم المتناثر من الحديث المتواتر، تحقيق شرف حجازى، مصر، دار الكتب السلفية، چاپ دوم، بى تا.
٥٩. مامقانى، عبدالله، مقباس الهدايه فى علم الدرايه، محقق محمد رضا مامقانى، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، ١٤١١ق.
٦٠. متقى هندى، على بن حسام، كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال، محقق بكرى حيانى - صفوة السقا، بى جا، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ١٤٠١ق.
٦١. مجلسى، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.

-
٦٢. مرداوى، على بن سليمان، التحيير شرح التحرير فى أصول الفقه، تحقيق عبد الرحمن جبرين، عوض قرنى، احمد سراح، رياض، مكتبة الرشد، چاپ اول، ١٤٢١ق.
٦٣. مسلم، بن حجاج، الصحيح، بيروت، دارالفكر، بى تا.
٦٤. معروف حسنى، هاشم، الموضوعات فى الاثار و الاخبار، بيروت، دار التعارف للمطبوعات، ١٤٠٧ق.
٦٥. ميرزاى قمى، ابوالقاسم بن محمدحسن، قوانين الاصول، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية، چاپ دوم، ١٣٧٨ق.
٦٦. نسائى، احمد بن شعيب، السنن، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول، ١٣٤٨ق.
٦٧. هاشمى، محمود، بحوث فى علم الأصول، بى جا، المجمع العلمى للشهيد الصدر، بى تا.
٦٨. هيثمى، على بن ابى بكر، مجمع الزوائد، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٠٨ق.